

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مسعود دلجانی
۳۰ سپتمبر ۲۰۲۱

شوق وزیدن



شوق وزیدن

در قعر نومیدی،
آنجا که شوق وزیدن
در روان آدمی به بی موجی می گراید
و خنده از وزیدن
باز می ایستد
و در چهره ای دژم
اشتیاق به زیستن به یکباره فرو می ریزد.
و مردی خمیده با موهائی ژولیده
با چشمانی که برق زیستن از آن گریخته
هر بار خفتن در گوشه خیابان

خیال در مانده اش را به آشوب می کشد.

از اندوهی حقیر
که ذهن را از فرط آرامش
به انجماد می کشاند،
می گریزم .

و در بطنِ باران وارِ هم دردی ژرف
آنجا که چشم از شدت اندوه نمناک می نماید
و کلام چون بارانی نرم
بر زمین تشنه می بارد،
دستانت را رفیقانه در دست می گیرم.

و به رویش گل مرداب
در برکه های آئینه می اندیشم
به گل های سفید و ارغوانی و سرخ
به نوازش آرام آهنگ ابدیت
در اندامی میرا .

به چرخش جهان شمول ستاره های زاینده
در اذهانی که از تهیه نان شبانه
در سفره های خالی
وامانده اند
اما،

در دستان خود نطفه آگاهی را آبیاری می کنند
تا آگاهانه بر خیزند،
و ستاره های میرا را
از گردونه تاریخ
به بیرون پرتاب کنند .

و دستان یاری را در خاطر هم می کارند
تا چون شاخه های اقاقی برویند
و پرستو های خستگی
سفر طولانی خویش را

در شاخه های در همش
به تماشا بنشینند .

در قعر نومیدی
آنجا که فرکانسِ رونده موج ضربانِ زیستن
بر شیشه مانیتور
به کندی می گراید
و به درد آغشته ای،
گریز از پریشان حالی شکننده را
در خاموشی گور می جوید.
به تداوم ناگزیر زیستن می اندیشم
به تماشای شکوفه های شکوفنده
در باغ بهاری
که پایان تمامی زمستان ها را
اعلام می کند .

در قعر نومیدی
به دستان رزم می اندیشم
که انتهای نومیدی را
بر تارک هستی
فریاد می زند .
بی آن که لحظه ای از تداوم باز ایستد .
مسعود دلجانی